



اعتبارسنجی روایت امام رضا (علیه السلام) در تفسیر

آیه ۴۴ سوره اعراف (نقدی بر دیدگاه آلوسی)

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

علیرضا حیدری نسب^۱، حسین خاکپور^۲، فریبا چمنی^۳

چکیده

روایات، پایه دوم معارف اسلامی و از جهت اعتبار هم‌سنگ قرآن‌اند. با وجود این، پاره‌ای خصوصیات به‌ویژه برای روایات تفسیری چون ضعف سند، اسباب تردید در صحت برخی از آن‌ها را فراهم آورده‌اند. یکی از این روایات، روایتی از امام رضا (علیه السلام) است، مبنی بر اینکه مراد از «مؤذن» در آیه ۴۴ سوره اعراف (فَأَذِّنْ مُؤذِّنٌ يَّبِيئُهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ) امام علی (علیه السلام) است. آلوسی که شماری روایت از امام رضا (علیه السلام) در تفسیر خود آورده، این روایت تفسیری کلامی را از طریق اهل سنت ناوارد و در نتیجه دور از صحت دانسته است. بررسی و تحلیل گزارش‌های مرتبط نشان می‌دهد، به‌رغم وجود زمینه برای تردید در صحت برخی طرق این حدیث، طرق برتر نقل آن در مصادر شیعه چون طرق قمی و کلینی از وصف صحت برخوردار بوده، می‌تواند شواهدی برای تصحیح نقل آن در مصادر اهل سنت چون طرق حاکم حسکانی باشد. لذا ورود این روایت رضوی از طرق مختلف در مصادر فریقین، در کنار برخورداری آن از انواع شواهد معنایی، چون نقش انحصاری برای انسان در محشر، موقعیت خاص اهل بیت (علیهم السلام) در شریعت، به‌ویژه شخصیت، سابقه و رفتار امام علی (علیه السلام) دستمایه‌های کافی برای اثبات اعتبار و صحت کلی حدیث است. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد استبعاد آلوسی بیش از آنکه نتیجه تحقیق باشد ریشه در تعصبات مذهبی او دارد.

کلیدواژه‌ها: روایات تفسیری، آیه ۴۴ اعراف، روایات امام رضا (علیه السلام)، رخدادهای قیامت، محمود آلوسی.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول): heydarynasab43@theo.usb.ac.ir
۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان: dr.khakupour@theo.usb.ac.ir
۳. کارشناس ارشد تفسیر اثری دانشگاه سیستان و بلوچستان: faribachamani95@gmail.com

۱. مقدمه

روایات به سبب فقدان قالب اعجازی از طرفی و صراحت در تعبیر از سوی دیگر، سرنوشت متفاوتی داشته و در مسیر ناهموار نقل و انتشار خود، به اقتضای بار معنایی شان مورد اختلاف واقع شده اند. این مشکل در ارتباط با روایات تفسیری مضاعف می نماید؛ زیرا این روایات که گاه در مقام تعیین مصداق صادر گشته اند، معمولاً فاقد سند کامل و متصل هستند (دیاری، ۱۳۹۰: ۴۴). از جمله این روایات اختلافی که ارتباط مستقیمی با محور عمده اختلافات فریقین، یعنی مسئله خلافت نیز دارد اخبار مناقب امام علی (علیه السلام) است. عیاشی، قمی و کلینی از امام رضا (علیه السلام) روایت کرده اند که حضرت در تفسیر آیه ۴۴ سوره اعراف فرمود: مراد از مؤذن، امام علی (علیه السلام) است (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۳۱؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۲۶). برخی مفسران اهل سنت بدون ذکر دلیل، در صحت حدیث پیش گفته تردید کرده اند. آلوسی، در تفسیر روح المعانی، مراد از مؤذن در آیه مذکور را ترجیحاً یکی از فرشتگان (اسرافیل، مالک جهنم یا ...) دانسته و روایت امام رضا (علیه السلام) را به دلیل عدم ورود از طرق اهل سنت و اینکه امام علی (علیه السلام)، همزمان در حظایر قدسی است، دور از صحت شمرده است (آلوسی، بی تا، ج ۸: ۱۲۳). گفتنی است برای تفسیر پاره ای از آیات، به ویژه آن دسته که با عوالم بالا و تجربه ناپذیر چون قیامت مرتبط هستند، راهی جز استفاده از نقل وجود ندارد. از قرآن در ارتباط با مراد از «مؤذن» در آیه فوق الذکر که در زمینه گفت و گوی اهل محشر است، مطلب زیادی قابل استفاده نیست. برخی مفسران گفته اند: «مؤذن» در این آیه نکره آمده چرا که هدف آیه، اعلام حکم بوده است. این امر از امور غیبی است که باید برای تفسیرش به روایات مراجعه کرد (طنطاوی، بی تا، ج ۵: ۲۷۶؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰ م، ج ۸: ۳۷۹).

در ارتباط با تعیین مراد از «مؤذن»، شماری روایت با صیغه تمریض (قیل یا زوی) وارد شده است که برای ارزش گذاری آن روایات، پاره ای بررسی ها ضرورت دارد؛ به ویژه آنکه گفته شده است: در تفسیر این آیه روایتی وارد نشده و آنچه ذکر شده است هم قابل اعتماد نیست (طنطاوی، بی تا، ج ۵: ۲۷۶). از روایات تفسیری مرتبط با مراد از «مؤذن» در این آیه، دو قول قابل استفاده است: الف. مراد از آن یکی از فرشتگان الهی (جبرئیل، اسرافیل،

نگهبان جهنم یا...) باشد. این قول از ابن عباس و عمدتاً در تفاسیر اهل سنت نقل شده است. ب. مراد از آن امیر مؤمنان (علیه السلام) است. این تفسیر مبتنی بر شماری روایت است که عموماً در میراث حدیثی شیعه، هم از ابن عباس و هم از طریق امامان (علیهم السلام) رسیده است.

۲. پیشینه

بررسی‌های انجام شده پیرامون پیشینه پژوهش پیش رو نشان می‌دهد پاره‌ای توضیحات و منابع نقل درباره این روایت در کتاب «شرح احقاق الحق» (مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۳: ۳۹۴) آمده است و برخی مفسران هنگام تفسیر آیه ۴۴ سوره اعراف با ذکر بعضی روایات در صدد تفسیر مراد از مؤذن برآمده‌اند؛ علامه طباطبایی پس از آنکه ضمن تدبر در قرآن، انسان بودن مؤذن را برگزیده، به ذکر دیدگاه‌های آلوسی و رشیدرضا و ایراد نقدهایی بر سخنان این مفسران پرداخته است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۰ و ۱۳۹). داوری چلقائی نیز طی مقاله‌ای ضمن ذکر و بررسی مختصر ۱۳ مورد روایتی که آلوسی در تفسیر خود از امام رضا (علیه السلام) آورده است، به آیه ۴۴ اعراف و تفاسیر مختلف «مؤذن» توسط مفسران و دیدگاه آلوسی و بررسی آن توسط علامه طباطبایی پرداخته است. سپس از نقل این روایت توسط حسکانی و اینکه آلوسی دلیلی بر نفی صحت روایت رضوی نداشته به عنوان شواهدی بر بطلان دیدگاه آلوسی استفاده کرده است (داوری چلقائی، ۱۳۹۹: ۱۳۰).

با وجود این، تحقیق پیش رو در پی بررسی کامل سندی و متنی روایت امام رضا (علیه السلام) و نقد دیدگاه آلوسی است و بیشتر نوآوری‌اش در این است که ابتدا به تفصیل، سند حدیث را بررسی و تحلیل و با وجود برخی زمینه‌ها برای تشکیک در صحت سند، آن را تصحیح کرده است. سپس در بحث دلالتی، محتوای حدیث را با ارائه قراین و شواهد متعدد تأیید می‌کند. به نظر می‌آید روایت تطبیق «مؤذن» بر امام علی (علیه السلام) که از طرق مختلف روایی در مصادر فریقین وارد شده است، هم از نظر سند و هم از جهت مضمون قابل تصحیح بوده و استبعاد آلوسی نسبت به صحت آن، ریشه در تعلقات مذهبی اشعری وی دارد.

۳. گونه‌های تفسیر مؤذن

بسیاری از مفسران اهل سنت، مراد از «مؤذن» در آیه ۴۴ سوره اعراف را تعیین نکرده‌اند. رشیدرضا می‌گوید: درباره مراد از مؤذن روایتی وارد نشده است؛ آن از امور غیبی است که باید مستند به وحی باشد. معمولاً کار امور غیبی به‌ویژه درباره آخرت به عهده فرشتگان است (رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۸: ۳۷۹)؛ اما عده‌ای به تعیین مصداق برای آن پرداخته‌اند؛ برخی از آنان بدون ذکر سند یا روایتی، مراد را یکی از فرشتگان خوانده‌اند (نسفی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۲۰۹)؛ مقاتل، وی را نگهبان جهنم دانسته است (مقاتل، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۳۹۲) و بعضی دیگر گفته‌اند که مراد از آن صاحب صور است (واحدی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۳۹۵؛ فخر رازی، بی‌تا، ج ۱: ۸۵). در این میان آلوسی ضمن اشاره به اقوال مختلف، روایت امام رضا علیه السلام را مبنی بر اینکه مراد، امام علی علیه السلام باشد، بعید شمرده و چنین گفته است: «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ»، مراد از وی بنا بر روایتی از ابن عباس، صاحب صور است؛ همچنین گفته شده که منظور، نگهبان آتش باشد؛ نیز آمده است که فرشته‌ای جز ایشان بوده که خدای والامرتبه آن فرمان را به ایشان می‌دهد. روایت شیعیان از امام رضا علیه السلام و ابن عباس مبنی بر اینکه او علی علیه السلام باشد از روایاتی است که از طریق اهل سنت ثابت نیست و بعید است که این امام در حالی که در حظایر قدسی است مؤذن هم باشد (آلوسی، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۳).^۱ در مقابل این دو دسته، عده‌ای مراد از «مؤذن» در آیه فوق را امام علی علیه السلام دانسته‌اند. به عنوان نمونه، ابن مردویه از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: مراد، حضرت علی علیه السلام است (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق: ۲۴۳؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ۳۲۸ و ۳۳۰). حاکم حسکانی نیز با ذکر پنج روایت که اغلب از طرق روایی شیعه است، مراد از مؤذن را امیر مؤمنان علیه السلام دانسته است. از جایی که تفسیر او با تفاسیر دیگر تفاوت دارد از آن با تفصیل بیشتر یاد می‌شود. او چنین آورده است:

- أبو عبد الله شیرازی برای ما نقل کرد که أبوبکر جریرائی گفت: أبو أحمد بصری چنین

۱. هو علی ما روی عن ابن عباس رضی الله تعالی عنه صاحب الصور علیه السلام و قیل: مالک خازن النار و قیل: ملک من الملائكة غیرهما یا مره الله تعالی بذلك. وروایة الإمامیة عن الرضا و ابن عباس أنه علی کرم الله تعالی وجهه مما لم یثبت من طریق أهل السنة و بعید عن هذا الإمام أن یکون مؤذناً و هو إذ ذاک فی حظائر القدس.

نقل نمود: مغیره بن محمد گفت: عبدالغفار بن محمد برای ما نقل کرد: مصعب بن سلام از عبدالاعلی تغلبی و او از محمد بن حنفیه نقل نمود که علی (علیه السلام) درباره آیه «فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (اعراف، ۴۴) فرمود: آن مؤذن من هستم.

- فرات بن ابراهیم کوفی گفت: علی بن عتاب برایم چنین حدیث کرد که جعفر بن عبدالله برای ما نقل نمود: محمد بن عمر از قول یحیی بن راشد و او از قول کامل از ابوصالح نقل کردند که ابن عباس گفت: در حقیقت برای علی بن ابی طالب در کتاب خدا نام‌هایی وجود دارند که مردم به آنها آگاه نیستند [از جمله] قول خدای تعالی «فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ» است؛ او آن مؤذن میان اهل محشر است که می‌گوید: أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الَّذِينَ كَذَبُوا بَوَالِيَتِي وَاسْتَخَفُوا بِحَقِّي^۱.

- أبوالنضر عیاشی گفت: محمد بن نصیر برای ما نقل کرد که أحمد بن محمد برای ما گفت: حسین بن سعید، از قول محمد بن فضیل، از ابن اذینه درباره قول خدای متعال «فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ» گفت: آن مؤذن امیرالمؤمنین باشد.

- و او از قول حسین بن سعید برای ما نقل نمود که محمد بن حسین، از محمد بن فضیل، از ابن اذینه، از حمران از قول ابی جعفر مثل آن را نقل نمود.

- گفت: [و] جعفر بن أحمد برایم حدیث نمود، که گفت: عمرکی و حمدان برای ما نقل کردند که محمد بن عیسی، از یونس، و او از ابن اذینه از حمران از ابی جعفر نقل نمود که مراد از مؤذن، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۶۷).

ابوحیان اندلسی نوشته: گفته شده است که وی همان اِسْرَافیل، صاحب صور است؛ همچنین نقل است که مراد، جبریل می‌باشد؛ به گروهی شادی و به گروهی شدت و غضب را اعلام می‌دارد. دیگر آنکه مراد فرشته‌ای غیر از جبرئیل و نامعین است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۰۳).

مفسران شیعه عموماً آن مؤذن را امام علی (علیه السلام) دانسته‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۳۱؛

۱. همانا لعنت خدا بر کسانی است که ولایت مرا کذب و حقم را سبک دانستند.

عیاشی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۵۹؛ طباطبائی، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۰ و ۱۳۹؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۸۱). در این بین علامه طباطبائی با تدبیر در قرآن، تفسیری متفاوت دربارهٔ مراد از «مؤذن»، ارائه کرده است؛ او نوشته است: ... در باره اینکه مؤذن، انسان، جن یا فرشته باشد از تدبیر در کلام خدا معلوم می‌شود که او از جنس بشر است؛ زیرا در هیچ جای قرآن نیامده است که جن در عالم آخرت درباره انسان نقشی داشته باشد. اما فرشتگان در آخرت، واسطه و عامل اجرای دستورهای پروردگار در عالم مرگ، بهشت و جهنم‌اند؛ ولی برای شان در محشر که مرحله بعثت، سؤال، شهادت و صدور حکم نهایی است نقشی ذکر نشده است. تنها برای انسان، از جمله در آیات ۴۶ و ۴۹ اعراف، ۲۷ نحل و ۵۶ روم از برخی نقش‌ها سخن گفته شده است. از ملاحظه این نمونه نقش‌های انحصاری برای انسان، که باید به سبب محبت خدا به او باشد چنان به ذهن می‌آید که مؤذن باید انسان باشد (طباطبائی، بی‌تا، ج ۸: ۱۲۰).

مکارم شیرازی نیز اذان امام علی (علیه السلام) در محشر را ادامه نقش ایشان در دنیا و تبلیغ برائت دانسته، موضع حضرت (علیه السلام) در برابر ستمگران در دنیا را شواهد صدقی برای روایت رضوی شمرده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۸۲).

۴. نیم‌نگاهی به دیدگاه آلوسی دربارهٔ روایات امامیان

محمود آلوسی با آنکه نسبت به امامان علی و رضا (علیهم السلام) عنایت خاص نشان داده است، صحت روایت رضوی را بعید می‌داند. از ظاهر بیان وی بر می‌آید که استبعاد او به سبب عدم ورود این روایت از طریق اهل سنت و همچنین حضور هم‌زمان حضرت در حظایر قدسی است؛ اموری که از دیدگاه مذهبی خاص آلوسی نشأت گرفته و نادرستی آن نزد اهل علم معلوم است. از اظهارات او دربارهٔ امامیان و روایات آنان چنان دانسته می‌شود که وی به ایشان عناد داشته و سعی بر تکذیب و تخطئه روایات‌شان دارد. او امامیان را برادران یهود و نصارا و سخن آنان را افترایی و مجتمع بر کفر دانسته است؛ لذا بدترین تعبیر را نسبت به آنان به کار می‌برد (آلوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۰۰ و ۱۰۴). رفتار دور از مقام منطق

و تحقیق آوسى سبب شده است تا رشیدرضا که خود در عناد با شیعه دست کمی از آوسى ندارد نیز گاهی اوقات در مقام دفاع از شیعه برآید (رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۶: ۱۹۳). رشیدرضا سخنان آوسى درباره این روایت رضوی را نقد و تا حدودی تعدیل کرده است؛ او نوشته است: پایه گذاران منابع جرح و تعدیل راویان، قواعد و منابع رجالی را بر اساس گرایش های مذهبی بنا نکرده اند. بر این اساس برخی از پیشوایان جرح و تعدیل چون عبدالرزاق و حاکم، شیعه علی (علیه السلام) به شمار آمده اند. هیچ فردی رجالی نیست مگر آنکه به عدالت بسیاری از شیعیان در روایت حکم کرده است. پس هنگامی که این روایت با سندی صحیح نقل شود قابل پذیرش است و حضور امام (علیه السلام) در حظایر قدس مانع از حضورش در محشر نیست. اگر برای نسبت دادن این اذان به امام علی (علیه السلام) مفهومی چون فصل یا پاداشی از سوی خدا در نظر باشد قطعاً و حتی بدون سند صحیح هم قابل پذیرش است؛ البته مادامی که ساختگی یا معارض با روایتی با سند قوی تر یا متن صحیح تر نباشد (همان، ج ۸: ۳۷۹)'. گرچه بیان رشیدرضا به عنوان بخشی از پاسخ به دیدگاه آوسى نیکوست لیکن برای بررسی تفصیلی اعتبار حدیث رضوی و نقد دیدگاه آوسى، بررسی روایات این باب، طرق ورود، وضعیت اسناد و ملاحظه شواهد معنایی آن ضرورت دارد.

۵. بررسی سندی روایت

از جمله طرق اعتبارسنجی روایات، بررسی وضعیت سندی آن است که در صورت برخورداری یک روایت از سند متصل و صحیح، اعتماد بر آن آسان می شود. در این مقام، و از جایی که روایات مبنی بر فرشته بودن «مؤذن»، فاقد سند بوده، امکان بررسی ندارند، تنها روایاتی بررسی سندی می شود که مراد را امام علی (علیه السلام) دانسته اند:

۱. إِنَّ وَاضِعِي كُتِبَ الْجُزْحُ وَالتَّعْدِيلُ لِرُؤَاةِ الْأَثَارِ لَمْ يَضَعُوهَا عَلَيَّ قَوَاعِدَ الْمَذَاهِبِ وَقَدْ كَانَ فِي أَيْمَتِهِمْ مَنْ يُعَدُّ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَآلِهِ كَعَبْدِ الرَّزَّاقِ وَالْحَاكِمِ، وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَقَدْ عَدَلَ كَثِيرًا مِنْ الشَّيْعَةِ فِي رَوَايَتِهِمْ، فَإِذَا ثَبَتَتْ هَذِهِ الرُّوَايَةُ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ قَبِلْنَاهَا، وَلَا نَرَى كَوْنَهُ فِي حَظَائِرِ الْقُدْسِ مَانِعًا مِنْهَا، وَلَوْ كُنَّا نَعْمَلُ لِإِسْتِنَادِ هَذَا التَّأْدِينِ إِلَيْهِ كَرَمَ اللَّهُ وَجْهَهُ مَعْنَى يُعَدُّ بِهِ فَضِيلَةً أَوْ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى لَقَبَلْنَا الرُّوَايَةَ بِمَا دُونَ السَّنَدِ الصَّحِيحِ، مَا لَمْ يَكُنْ مَوْضُوعًا أَوْ مُعَارَضًا بِرَوَايَةٍ أَقْوَى سَنَدًا أَوْ أَصَحَّ مَثْنًا.

۵-۱. روایت رضوی در منابع روایی شیعه

در منابع روایی شیعه، روایتی که مراد از مؤذن را امام علی (علیه السلام) دانسته است از طرق مختلف از قول امامان علی، باقر و رضا (علیهم السلام) وارد شده است. از جمله محدثان شیعه، علی بن ابراهیم، عیاشی، کلینی و صدوق به نقل این روایت پرداخته‌اند. قمی آن را از طریق محمد بن فضیل چنین آورده است: *فإنه حدثني أبي عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن (عليه السلام) قال المؤذن أمير المؤمنين (عليه السلام) يؤذن أذانا يسمع الخلائق كلها والدليل على ذلك قول الله عزوجل في سورة براءة «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» فقال أمير المؤمنين (عليه السلام) كنت أنا الأذان في الناس (تفسير قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۳۱).* عیاشی هم همانند قمی، از طریق محمد بن فضیل آورده است که گفت: از امام ابوالحسن رضا (علیه السلام) درباره این سخن پروردگار «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» نقل است که فرمود: آن مؤذن امیر المؤمنین (علیه السلام) است (عیاشی، بی تا، ج ۲: ۱۷). کلینی نیز همین روایت را از طریق احمد بن عمر حلال و این گونه نقل کرده است: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو الْحَلَّالِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» قَالَ الْمُوَذِّنُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۲۶).^۱

شیخ صدوق چنین نقل کرده است: ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن إسحاق طالقانی (رحمه الله) برای ما حدیث کرد؛ گفت: عبدالعزیز بن یحیی جلودی در بصره برای ما نقل نمود که مغیره بن محمد برای ما گفت: رجاء بن سلمه برای ما حدیث گفت که عمرو بن شمر، از جابر جعفی، از ابی جعفر محمد بن علی (علیه السلام) نقل نمود: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه، در کوفه و پس از برگشت از نهروان، وقتی شنید که معاویه به او دشنام و لعن گفته أصحابش را به قتل می‌رساند، برای ایراد خطبه برخاست و چنین سخنرانی نمود: ... آگاه باشید! من در قرآن نام‌های خاصی دارم؛ بپرهیزید از اینکه در صدد تصاحب آن عنوان‌ها برآیید که در دین خود گمراه گردید! خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» من آن صادق هستم؛ من در دنیا و آخرت مؤذن هستم؛

۱. حسین بن محمد از معلی بن محمد از وشا و او از قول احمد بن عمر حلال روایت کرد که از امام رضا (علیه السلام) درباره مراد سخن پروردگار (فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ) پرسیدیم. گفت: مؤذن امیر مؤمنان (علیه السلام) است.

خداوند عزوجل فرمود: «فَأَذِّنْ مُؤَدِّنَ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» آن مؤذن منم. فرمود: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» و [صاحب] آن آذان من هستم (ابن بابویه، ۱۳۷۹: ۵۹).

با توجه به جایگاه برتر روایی قمی و کلینی و اتصال طرق نقل آنان ترجیحاً اسناد روایات ایشان بررسی می‌شود. وثاقت قمی و کلینی مورد اتفاق رجالیان شیعه است. بلکه در اقوال رجالیان تسنن هم قده یا جرحی نسبت به کلینی دیده نمی‌شود.

۱-۱-۵. بررسی سندی روایت قمی

در طریق روایی قمی تا معصوم (علیه السلام) دوراوی وجود دارند:

ابراهیم بن هاشم، راوی نخستین قمی و پدر اوست. رجالیان تنها او را ستوده‌اند و از تصریح به وثاقتش خودداری کرده‌اند. نجاشی چنین نوشته است: ابراهیم بن هاشم أبو إسحاق، قمی کوفی الأصل بود. به قم منتقل شد. أبو عمرو کشی گفت: او شاگرد یونس بن عبدالرحمن از أصحاب رضا (علیه السلام) بود. در این سخن کشی تأمل وجود دارد. یاران ما گویند: او نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد. برایش کتاب‌هایی است؛ از آن جمله «النوادر» و «کتاب قضایا امیر المؤمنین (علیه السلام)» است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۱). البته حضور مکرر ابراهیم بن هاشم در روایات تفسیر علی بن ابراهیم قمی و «من لایحضره الفقیه» که صاحبان آن‌ها مدعی نقل از افراد ثقه هستند حکایت از توثیق عام در باره علی بن ابراهیم دارد! (به‌عنوان نمونه: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶؛ ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۲، ۵۶۲ و ج ۳: ۱۹۰).

«محمد بن الفضیل»؛ شیخ طوسی ابن فضیل را یکبار در ضمن یاران امام کاظم (علیه السلام) آورده و ضعیف خوانده و بار دیگر در شمار اصحاب امام رضا (علیه السلام) آورده و او را آزدی صیرفی، متهم به غلو (یرمی بالغلو) و البته صاحب کتاب دانسته است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳ و ۳۶۵). نجاشی نیز چنین نوشته است: محمد بن فضیل بن کثیر، صیرفی آزدی أبو جعفر أزرق، از روایان امامان کاظم و رضا (علیه السلام) و دارای کتاب و مجموعه

مسائل بوده است. محمد بن حسین بن ابی الخطاب راوی کتاب اوست و جماعتی همین نسخه را روایت کنند (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۶۷).

آن گونه که از شواهد بر می آید دلیل نسبت ضعف به ابن فضیل در کلام شیخ طوسی، متهم بودن او به غلو است. عبارت «یرمی بالغلو» به خوبی از این امر حکایت دارد. در این زمینه باید گفت گرچه اتهام به غلو نزد پیشینیان ضعف به حساب می آمده است؛ اما تأمل و بررسی‌ها نشان می دهد صرف اتهام به غلو توسط پیشینیان بدون ذکر وجه آن، دلیل ضعف راوی نیست؛ زیرا همان گونه که بعضی بزرگان چون وحید بهبهانی گفته اند اتهام به غلو توسط پیشینیان، مسلکی شایع و اجتهادی بوده که آنان در این جهت افراط کرده؛ به سادگی، حتی برای بزرگان طایفه نسبت غلو را به کار برده اند؛ به عنوان نمونه در برخی موارد حتی عدم اعتقاد به «سهو النبوی» یا باور داشتن به مقامات عالیه برای معصومان (علیهم السلام) چون علم غیب را اندیشه‌هایی غالبانه می دانسته اند؛ اموری که نزد متأخران مقبول نبوده، و بعضی از این امور از بدیهیات باور امامیان به نظر می آید (بهبهانی، بی تا: ۷۹ و ۹۳؛ بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۱۹۸؛ منتظری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۲۸). بر اساس این تحلیل، نسبت غلو به محمد بن فضیل، سبب ضعف او نیست؛ به ویژه آنکه رجالی برتر، نجاشی سخنی از تضعیف او ندارد و از سویی بزرگانی از اعیان محدثان، بیش از ۴۰ نفر چون محمد بن حسین بن ابی الخطاب کتاب او را نقل کرده اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۶۷؛ صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۷۲)؛ و با توجه به آنکه مشایخی چون اصحاب اجماع از قبیل صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمن از او حدیث نقل کرده اند و منابعی چون کتب اربعه آکنده از روایات محمد بن فضیل است، می توان گفت حدیث رضوی از طریق قمی از صحت سند و اعتبار برخوردار است.

۵-۱-۲. بررسی طریق کلینی

کلینی با چهار واسطه از معصوم (علیه السلام) نقل کرده است:

«حسین بن محمد»؛ نجاشی او را ابو محمد عبدالله بن عامر، شیخی از مشایخ شیعه، ثقه و دارای کتاب «النوادر» معرفی کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۸). ظاهراً شیخ طوسی او را حسین بن احمد بن عامر شناسانده است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۲۴). میرداماد او را حسین بن محمد بن عامر اشعری قمی و از بزرگان مشایخ کلینی دانسته است که وی از او روایات بسیار، از جمله از طریق عمویش عبدالله بن عامر نقل کرده و به اسم جدش عامر اشعری در مواضع گوناگون تصریح کرده است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۹۶، پانوشت میرداماد، مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۶۶؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۱۴؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۸۳).

«معلی بن محمد»؛ نجاشی نوشته است: أبو الحسن بصری مضطرب الحدیث و المذهب است؛ کتاب هایش نزدیک به قبول است. از جمله کتاب هایش کتاب الایمان و درجاته و زیادته و نقصانه، کتاب الدلائل، کتاب الکفر و وجوهه، کتاب شرح المودة فی الدین، کتاب التفسیر، کتاب الإمامة، کتاب فضائل أمير المؤمنین (علیه السلام)، کتاب قضایاه (علیه السلام)، کتاب المروءة (المروءة) و کتاب سیرة القائم (عج) است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۱۸).

علامه حلی هم ضمن نقل سخن نجاشی از قول ابن غضائری چنین آورده است: معلی بن محمد بصری ابو محمد، برخی احادیث اش معروف و پاره ای منکر است؛ از ضعفا روایت کرده و جایز است مرویاتش به عنوان شاهد ذکر شود (حلی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۹).

علامه مجلسی وجود [معلی] بن محمد بصری را از جایی که از مشایخ اجازه است مضر به سند روایت ندیده است (مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۱). البته همو هنگام شرح روایت کلینی، بدون هرگونه توضیحی، آن حدیث را بنا بر مشهور ضعیف خوانده است (همان، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۸۷).

مامقانی پس از ذکر و بررسی اقوال مختلف رجالیان درباره معلی گوید: روایتش از ضعف ضرری به روایات او از ثقات نمی زند. فساد مذهبش هم ثابت نیست؛ و اینکه شیخ اجازه

بوده است او را از توثیق بی‌نیاز می‌سازد (مامقانی، بی‌تا، ج ۳: ۲۳۳).

آقای خویی پس از ذکر تفصیلی موقعیت روایی معلی و نقل دیدگاه رجالی نجاشی در باره اش چنین نتیجه گرفته است: ظاهر آنکه وی ثقة و روایاتش قابل اعتماد است. سخن نجاشی که او را از نظر حدیث و مذهب مضطرب خوانده است مانع از وثاقتش نیست. اضطرابش در مذهب، همان‌گونه که برخی رجالیان گفته‌اند ثابت نیست؛ و حتی اگر ثابت هم دانسته شود باز هم با وثاقت او منافات ندارد. معنای اضطرابش در حدیث باید آن باشد که او گاهی روایتی معروف و بعضی اوقات روایاتی منکر نقل می‌کند و این نیز منافی وثاقتش نیست. سخن نجاشی که گفت «و کتبه قریبه» بر این امر تأکید دارد. روایت معلی از ضعفاء آن‌گونه که ابن غضائری گفت، به فرض ثبوت، آسیبی به عمل به روایاتش از طریق ثقات نمی‌زند. لذا آنچه آشکار می‌نماید اینکه وی مورد اعتماد است. والله العالم. هرگونه باشد طریق صدوق (قدس سره) به معلی با واسطه پدرش، محمد بن حسن، و جعفر بن محمد بن مسرور (رضی الله عنهم)، از طریق حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد بصری، طریقی صحیح است؛ جز آنکه طریق شیخ طوسی به وی به سبب وجود ابوالفضل و ابن بطة ضعیف است (خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۹: ۲۸۰).

بررسی‌ها نشان می‌دهد معلی از مشایخ ثقه‌ای چون احمد بن محمد بن ابی نصر، حسن بن علی بن فضال و حسن بن علی و شاء استفاده کرده و مشایخ ثقه‌ای از کلینی چون حسین بن محمد بن عامر از وی بسیار نقل کرده‌اند. همچنین آثار متعدد معلی در فقه، تاریخ و کلام از تخصص و تبحر او در این حوزه‌ها حکایت دارد. با توجه به اینکه حدود ۷۰۰ روایت از طریق معلی در کتب اربعه وارد شده است، نمی‌توان پذیرفت که اصحاب کتب اربعه که جوامع خود را برای رفع مشکلات شرعی مکلفان فراهم آورده‌اند صدها روایات از طریق کسی نقل کرده باشند که خود مشکل داشته است. بر این اساس و مطابق آنچه عموم رجالیان درباره معلی ذکر کرده‌اند وجود او در این روایت رضوی آسیبی به صحت و اعتبارش نمی‌زند.

«الو شاء، الحسن بن علی بن زیاد»؛ نجاشی در این باره نوشته است: و شاء بجلی کوفی،

أبو عمرو کشی گفت: کنیه اش ابو محمد و شاء و او نوه دختری ایلیاس صیرفی خزاز، از یاران امام رضا (علیه السلام) و از وجوه شیعه بوده که از جدش ایلیاس روایت دارد (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۹). احمد بن عمر الحلال، أحمد بن عمر حلال (خلال)، شیره (عسل) فروش، کوفی أنماطی، ثقة و ردی الأصل بود (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۵۲).

نگارندگان مقاله از مجموع آنچه ذکر و بیان شد، نتیجه می گیرند که ضعیف خواندن این حدیث رضوی از سوی علامه مجلسی، بی وجه بوده؛ مطابق مبانی متأخران این روایت رضوی از ملاک های صحت و اعتبار برخوردار است.

۲-۵. روایت رضوی در مصادر اهل سنت

بر خلاف آنچه آلوسی گفته است این روایت از طریق اهل سنت نیز وارد شده است. یکی از این منابع «شواهد التنزیل» حاکم حسکانی است. او از پنج طریق از جمله چنین روایت کرده است:

«أخبرنا أبو عبد الله الشيرازي قال: أخبرنا أبو بكر الجرجاني قال: حدثنا أبو أحمد البصري قال: حدثنا المغيرة بن محمد قال: حدثنا عبد الغفار بن محمد، قال: حدثنا مصعب بن سلام، عن عبد الأعلى التغلبي: عن محمد بن الحنفية عن علي قال: «فأذن مؤذن بينهم أن لعنة الله على الظالمين» فأنا ذلك المؤذن» حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۶۷).

ابن مردويه اصفهانی نیز درباره مؤذن چنین آورده است: «عن أبي جعفر الباقر (علیه السلام) قال: هو علي (علیه السلام)» (ابن مردويه، ۱۴۲۴ق: ۲۴۳؛ إربلی، ۱۴۰۵ق: ۳۲۸).

۱-۲-۵. بررسی روایان حاکم حسکانی

حاکم حسکانی در روایت اول، آن حدیث را با هشت واسطه از معصوم (علیه السلام) نقل کرده است. در اینجا نیز به بررسی سندی روایت نخست حسکانی که از طرق روایی اهل سنت بوده، سندش متصل به نظر می آید بسنده و به روایت ابن مردويه تنها اشاره می شود. روایان

حسکانی این گونه معرفی شده اند:

ابوعبدالله شیرازی؛ ابن باکویه محمد بن عبدالله بن عبیدالله بن باکویه شیرازی صوفی ابو عبدالله شیخ صوفیان در روزگارش، عالم به طرق روایی آنان، جامع حکایات و سیرت‌هایشان بود. با مشایخ آنان دیدار و از آنان دانش أخذ کرد. در نیشابور، در خانه کوچک سلمی سکونت گزید. هم‌نشینی‌های خوبی با مشایخ آنجا داشت. حدیث، سماع و روایت نمود؛ جز آنکه ثقات درباره سماعات حدیثش توقف کردند (فارسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۷). ذهبی نوشته است: محمد بن عبدالله بن عبیدالله بن باکویه، ابوعبدالله شیرازی، یکی از بزرگان مشایخ صوفیه است. از محمد بن خفیف زاهد، محمد بن قاسم بن ناصح کرچی در شیراز، ابوبکر قطیعی در بغداد، ابوالاحمد بن عدی در گرگان، ابویعقوب نجیرمی در بصره، و... حدیث شنید. ابوالقاسم قشیری، عبدالواحد بن ابی القاسم قشیری، ابوبکر بن خلف شیرازی، عبدالوهاب بن احمد ثقفی و... از او سماع کردند. یک جزء از حدیثش به دست ما رسیده است. اسماعیل بن عبدالغافر فارسی گفت: از ابوالصالح احمد بن عبدالملک مؤذن شنیدم که می‌گوید: در اجزاء ابوعبدالله بن باکویه نگاه کرده و آثار سماع را در آن نیافته است. نیکوترین مسموعات وی همان حکایات اوست (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲۹: ۲۴۴). او در ۴۲۸ هجری فوت کرد (صفدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳: ۲۶۱).

ابوبکر جررائی؛ محمد بن احمد بن محمد ابوبکر جررائی مفید، از محمد از یحیی مروزی، ابوشعیب حرانی و خلقی دیگر روایت کرد. راوی اخباری منکر از افرادی مجهول است. ابوالولید باجی گفت: برخی اسناد روایی مورد ادعای جررائی را انکار نمودم. او که از جهت نقل متهم بود در سال ۳۷۸ ق با ۹۴ سال سن در بخاری وفات یافت (سمعانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۰).

ابو احمد بصری؛ وی مجهول می‌نماید.

مغیره بن محمد؛ ابوحاتم مهلبی ازدی بصری ادیب، از محمد بن عبدالله انصاری و عبدالله بن رجاء و گروهی دیگر حدیث نقل کرد. محمد بن مرزبان و محمد بن یحیی صولئی از او نقل کرده‌اند. صدوق بود. در ادب درخشید و خوش‌سرا بود. مدح متوکل و

جز او را گفت. در ۲۷۸ ق فوت کرد. از طریق أنصاری برایش کتاب بزرگی دیدم (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲۰: ۴۷۵).

عبدالغفار بن محمد؛ وی نیز مجهول به نظر می‌رسد.

مصعب بن سلام؛ مصعب بن سلام تمیمی کوفی، از ابن جریج و ابن شبرمه حدیث نقل کرد. أحمد، زیاد بن ایوب و شماری دیگر از او نقل کردند. علی بن مدینی او را ضعیف خواند. أبوحاتم گفت: در جایگاه صدق قرار دارد. از ابن معین درباره اش دو قول نقل است. ابن حبان گفت: کثیر الغلط بود. به او احتجاج نمی‌شود (ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ج ۴: ۱۲۰).

عبدالسلام تغلبی (تغلبی)؛ عبدالأعلی بن عامر، از ابن حنفیه، سعید بن جبیر و أبوالبختری روایت دارد. إسرائيل، شعبه و خلقی از او نقل کرده‌اند. أحمد و أبوزرعه او را ضعیف دانسته‌اند. أحمد گفت: روایتش از ابن حنفیه چون ریح است. گویی آن را ناصحیح دانست. سفیان ثوری هم او را ضعیف شمرد. أحمد بن زهیر از یحیی نقل کرد: آن گونه که باید، قوی نیست. گفته شده که در ۱۲۹ ق فوت کرد (ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ج ۲: ۵۳۰).

محمد بن حنفیه؛ ذهبی او را سید امام، ابوالقاسم و ابو عبدالله معرفی کرده که همزمان با سال مرگ ابوبکر ولادت یافت. او را دارای بیشترین و صحیح‌ترین روایت از امام علی (علیه السلام) خوانده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۱۱۰).

بر اساس آنچه در کلام رجالیان تسنن دیده می‌شود سند این روایت صحیح نیست.

۵-۲-۲. روایت ابن مردویه

طریق روایی ابن مردویه نامعلوم و غیر قابل بررسی است (ابن مردویه، ۱۴۲۴ ق: ۲۴۳؛ اربلی، ۱۴۰۵ ق: ۳۲۸ و ۳۳۰). گرچه روایات اهل سنت، فاقد وصف صحت یا سند متصل اند لیکن می‌تواند شواهدی بر صحت معنایی روایت رضوی باشد.

۶. بررسی محتوایی و دلالتی روایت رضوی

شواهد گوناگونی بر صحت محتوای روایت امام رضا علیه السلام وجود دارند. این شواهد دو گونه‌اند:

۱-۶. شواهد خاص

پاره‌ای شواهد به صراحت بر صحت مضمون روایت رضوی و نقش ویژه امام علی علیه السلام در محشر دلالت دارد که برخی از آن‌ها چنین است:

۱-۱-۶. اذان و تبلیغ برائت

به اتفاق فریقین، پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را برای تبلیغ سوره برائت فرستاد و او در محشر حج اکبر بیزاری خدا و رسول صلی الله علیه و آله از مشرکان ستمگر را اعلان کرد و به این دلیل، ایشان خود را مؤذن در دنیا خواند. برخی مفسران چنین آورده‌اند: امام سجاد علیه السلام فرمود: علی علیه السلام در کتاب خدا اسمی دارد که مردم آن را نمی‌دانند؛ پرسیده شد که آن چیست؟ فرمود: «اذان من الله و رسوله»، علی علیه السلام [منادی] اذان در روز حج اکبر است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۳۰۴؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۱).

اذان امام علی علیه السلام در محشر قیامت امر تازه‌ای نیست؛ در سطحی برتر ادامه همان موقعیت و مأموریت امام علیه السلام در دنیا است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۸۲). بر اساس برخی اخبار امام علیه السلام پس از برگشت از جنگ نهروان، هنگامی که شنید معاویه حضرت را دشنام می‌گوید و یاران او را به قتل می‌رساند، برای ادای سخن برخاست و فرمود: من مؤذن در دنیا و آخرت هستم. آن‌گاه با قرائت آیه ۴۴ سوره اعراف خود را مصداق آن مؤذن و با قرائت آیه ۳ سوره توبه خود را (منادی) آن اذان دانست (ابن بابویه، ۱۳۷۹: ۵۹؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۰۲).

۲-۱-۶. تقسیم‌گری بهشت و آتش

شماری حدیث در باب تقسیم بهشت و آتش توسط امام علی (علیه السلام) وارد شده است. برخی محدثان از جمله حافظ ابن عقده به جمع راویان و طرق مختلف ورود این روایت در یک کتاب پرداخته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۹۴ و ۲۳۳؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵: ۱۶۳). اصحاب معاجم به این حدیث مشهور در ذیل ماده «قسم» استناد کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۲: ۴۷۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۷: ۵۶۹). این روایت پرتکرار به گونه‌های مختلف در میراث حدیثی فریقین آمده است؛ از جمله آمده است که با محبت علی (علیه السلام) بهشتی از جهنمی جدا می‌شود و ایشان دوستان خود را وارد بهشت و دشمنان را وارد آتش می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۱۰۰؛ مفید، ۱۴۱۴ ق: ۲۱۳؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۳۳۸؛ ابن مغزلی، ۱۴۲۶ ق: ۸۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۴ ق: ۲۹۴؛ هیتمی، ۱۳۸۵ ق: ۱۲۶). آلوسی نوشته است: معنای سخن امام (علیه السلام) که خود را بخش‌کننده بهشت و آتش خواند، اگر صحیح باشد آن است که افراد این امت دو گروه‌اند؛ گروهی همراه من‌اند؛ پس هدایت‌یافته‌اند و گروهی علیه من هستند که بر گمراهی باشند؛ پس دسته همراه من در بهشت و دسته دیگر در آتش‌اند (آلوسی، بی تا، ج ۳۰: ۱۱۹). این مضمون در برخی بیانات مفسران در تفسیر اصحاب اعراف وارد شده و آمده است که مراد از اصحاب اعراف اهل بیت (علیهم السلام) و علی (علیه السلام) است که بر اعراف ایستاده‌اند؛ دوستان و دشمنان خود را می‌شناسند و به سوی بهشت یا جهنم می‌رانند (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۶۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴: ۲۳۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۷: ۲۱۲). این روایات نیز از موقعیت ممتاز امام (علیه السلام) در محشر حکایت دارد.

۳-۱-۶. عبور از صراط فقط با اذن امام علی (علیه السلام)

در برخی احادیث آمده است که امام علی (علیه السلام) نخستین کسی است که در قیامت در برابر پروردگار زانو زده به طرح دعوا و شکایت می‌پردازد (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۵: ۷ و ۲۴۲؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۲: ۳۸۶؛ هیتمی، ۱۳۸۵ ق: ۱۲۶). پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: عبور از صراط جز

با اذن علی (علیه السلام) ممکن نیست. این روایت نیز از موقعیت خاص امام علی (علیه السلام) در محشر حکایت دارد. برخی مصادر این روایت از این قرارند (خوارزمی، ۱۴۱۴ق: ۷۱؛ محب طبری، بی تا، ج ۳: ۱۳۸ و ۲۳۲؛ هیتمی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۶؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۵۵ و ۳۳۷ و ج ۳: ۲۳۰).

۶-۱-۴. سؤال از ولایت امام علی (علیه السلام)

شماری روایت ذیل آیه «وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات، ۲۴) نقل شده که بر سؤال از ولایت امام علی (علیه السلام) و موقعیت ممتاز وی در قیامت دلالت دارد. حاکم حسکانی با ذکر روایات متعدد و همچنین موفق خوارزمی مراد از مورد سؤال در آیه فوق را ولایت امام (علیه السلام) دانسته‌اند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۱۶۰؛ خوارزمی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۵). ابن حجر هیتمی نیز ضمن ذکر آیه فوق، ابتدا روایت ابوسعید خدری را مبنی بر اینکه مراد از سؤال در قیامت، ولایت علی (علیه السلام) است، یاد و سپس اضافه کرده است که شاید همین معنا، مقصود واحدی باشد؛ آنجا که درباره آن آیه گفته است: ... یعنی از ولایت علی و اهل بیت (علیهم السلام) سؤال می‌شود؛ زیرا خدا به پیامبرش فرمان داده است تا به مردم بفهماند که برای تبلیغ رسالت اجری از آن‌ها نمی‌خواهد جز مودت و دوستی با نزدیکانش و معنی کلام این است که از آن‌ها سؤال خواهد شد آیا حق ولایت، آن چیزی که پیامبر آن‌ها را بدان سفارش نموده بود، به جا آوردند یا آن را تباه کرده؛ اهمال نمودند؛ تا مورد بازخواست باشند (هیتمی، ۱۳۸۵ق: ۱۴۹).

چنین جایگاهی برای امام (علیه السلام) سبب شده است تا آلوسی پس از نقل این آیه و ذکر روایات متفاوت، از قول امامیان به ذکر روایات ابن عباس و ابوسعید خدری که مراد را ولایت علی (علیه السلام) دانسته‌اند، پرداخته و آن را تقویت کرده است. البته او بدون هر دلیلی برای ایجاد تعدیل در مناقب، از ولایت دیگر خلفا هم یاد کرده است. او می‌نویسد: بهترین این گفته‌ها آنکه از عقاید و اعمال و در رأس آن از «لا اله الا الله» سؤال می‌شود؛ و به این جهت

۱. نگه‌شان دارید که از آن‌ها پرسش می‌شود.

از ولایت علی که خداوند او را همواره گرامی دارد و همچنین از ولایت برادرانش، خلفای راشدین که خدا از همه آنان خشنود باشد پرسیده می شود (آلوسی، بی تا، ج ۲۳: ۸۰).

۵-۱-۶. همیاری همیشگی امام (علیه السلام) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

مروری بر نقش و موقعیت امام علی (علیه السلام) در ارتباط با شریعت اسلام در دنیا، بهتر می تواند صحت روایت اذان امام (علیه السلام) در محشر قیامت را نشان دهد. شواهد می گوید که آن امام (علیه السلام) از روزهای آغازین دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نقش شریک کار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ظاهر شد. در جریان یوم الإنذار به عنوان برادر، جانشین و وصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی شد (ابن سعد، بی تا، ج ۱: ۱۸۷؛ طبری، بی تا، ج ۲: ۶۳)؛ از ابرار، مولای مومنان، وصی و باب مدینه علم صاحب رسالت به شمار آمد (آلوسی، بی تا، ج ۲۹: ۱۵۸؛ ج ۱۵۸: ۱۵۸ و ج ۲۷: ۳). در جریان مباحله و روز سرنوشت، همراه با خانواده خود در صحنه حضور یافت؛ امری که موقعیت خاص ایشان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نشان داد و قوی ترین دلیل بر فضل عترت دانسته شد (زمخشری، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۴۳۴). آیات وزارت و مشارکت هارون با موسی (علیه السلام) (طه، ۹-۳۲) و حدیث منزلت با بیاناتی دیگر موقعیت امام (علیه السلام) را نشان داد (نیشابوری، بی تا، ج ۷: ۱۲۰؛ آلوسی، بی تا، ج ۱۳: ۲۳۵). آن امام (علیه السلام) در عموم جنگ های پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقشی تعیین کننده به عهده گرفت و صاحب لواء حضرت بود؛ در برخی صحنه ها مجروح می شد و پرچم از دستش می افتاد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره اش می فرمود: علی صاحب لوی من در دنیا و آخرت است (محب طبری، بی تا، ج ۳: ۱۵۶؛ خوارزمی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۹؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۷۰؛ ج ۲: ۱۶۶). از جایی که حضرت، در دنیا و آخرت پیش آهنگ امت، شاهد و شفیع آنان بوده است، تعبیر پرچمداری امام (علیه السلام) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دنیا و آخرت می تواند بیانگر موقعیت خاص آن امام (علیه السلام) در محشر قیامت باشد.

اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر سر نشر اسلام و تنزیل قرآن نبرد کرد، امام (علیه السلام) بر سر تأویل آن، با ناکثان، باغیان و مارقان پیکار نمود (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳: ۱۳۹) و به این

۱... و اولی هذه الأقوال ان السؤال عن العقاید والأعمال ورأس ذلك لاله الا الله ومن اجله ولاية علی كرم الله تعالى وجهه وكذا ولاية إخوانه الخلفاء الراشدين رضی الله تعالى عنهم أجمعين.

ترتیب حکم اسلام در مواجهه با باغیان را تبیین نمود؛ لذا جا دارد آن امام (علیه السلام) در امتداد همین ظلم‌ستیزی، در محشر قیامت نتیجه نهایی آن کارزارها و سوء رفتارها، یعنی حکم محکومیت ظالمان و استقرار لعنت بر آنان را اعلام نماید.

گفتنی است تأمل در آیات مورد بحث، از جمله «الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» (اعراف، ۴۵) نشان می‌دهد ظالمان سه وصف دارند؛ مانع راه خدا و به دنبال ایجاد انحراف بوده به آخرت هم کافرند؛ و مطابق آنچه مورد اشاره قرار گرفت جبهه مقابل امام (علیه السلام) به‌ویژه معاویه جامع این اوصاف بودند؛ حضرت هنگام شنیدن ستمگری‌های معاویه چون قتل شیعیان و ... لب به سخن گشوده از آینده دردناکی که در انتظارشان است یاد کرد و فرمود: من مؤذن در دنیا و آخرت هستم.

به این صورت کارنامه حضرت در مقابله با ظالمان و دفاع از مظلومان شاهی دیگر بر صحت انطباق آیه بر امام (علیه السلام) می‌گردد؛ و با توجه به اینکه رفتار و کارنامه این جهانی مکلفان در دار دیگر تجسم و تکامل می‌یابد انطباق مؤذن بر امام (علیه السلام) روشن می‌نماید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۸۱).

۲-۶. شواهد عام

پاره‌ای شواهد نیز وجود دارد که بر موقعیت ممتاز امام علی (علیه السلام) در ضمن جمع حکایت دلالت دارد.

۱-۲-۶. اهل بیت (علیهم السلام) شاهدان بر امت

بعضی آیات از گفت‌وگو در محشر و برپایی محکمه، گرفتن و احضار شهود می‌گویند و سخن از شهادت انبیاء (علیهم السلام) و اولیا در آن صحنه دارند (نساء، ۴۱، نحل، و ...). در برخی آیات سخن از رؤیت اعمال و اشراف بر آن در میان است؛ قمی در تفسیر آیه «قُلْ اَعْمَلُوا فَنَسَبِرَی اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه، ۱۰۳) نقل می‌کند که مراد از مؤمنانی که مشرف

بر اعمال امت اند اهل بیت (علیهم السلام) هستند (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۳۰۴). کلینی در تفسیر این نمونه آیات بابی با پنج روایت با عنوان «ان الائمة شهداء الله علی خلقه» گشوده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۹۰). همچنین به مناسبت تفسیر آیه «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره، ۱۴۳) در روایات آمده است که مراد از امت وسطی که شاهد بر مردم هستند، اهل بیت (علیهم السلام) است. ایشان بر اعمال مخالف با حق مردم در دنیا و آخرت گواه اند (حاکم حسکانی، ج ۱: ۱۱۹؛ طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۴۱۷). با توجه به آنکه بسیاری از افراد این امت، در دنیا فاقد صلاحیت علمی و در نتیجه فاقد شایستگی برای شهادت هستند، شهادت آنان در قیامت هرگز قابل تصور و پذیرش نیست؛ لذا تنها گروهی از امت که با قاطعیت می توان گفت از فهم و علمی متفاوت (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۴: ۳۰) برخوردار و مورد شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده و از طرف دیگر شایستگی شهادت بر اعمال امت را دارند خاندان حضرت و در صدر آنان امام علی (علیه السلام) هستند. این نمونه آیات و روایات که کم شمار هم نیست، می تواند شواهدی بر صحت روایت رضوی باشد.

۷. نتیجه گیری

همان گونه که علامه طباطبایی گفته بررسی و تدبر در قرآن و استعمالات قرآنی نشان می دهد در مرحله حشر در عالم آخرت، نقشی جز برای انسان ذکر نشده است؛ لذا مؤذن باید انسان باشد. روایت امام رضا (علیه السلام) که فاقد هرگونه روایت معارضی با سند صحیح یا متصل است از طرق مختلف در منابع فریقین وارد شده است؛ جز آنکه طرق روایی آن نزد شیعه از شمار و اعتبار بیشتری برخوردار است. هر دو طرق روایی برتر این روایت در مصادر شیعه، طرق قمی و کلینی صحیح بوده، شواهد متعدد معنایی آن در قرآن و اخبار، صحت کل روایت را تأیید می کنند. گرچه طریق روایی روایت رضوی در مصادر اهل سنت ضعیف می نماید لیکن صحت آن در مصادر شیعه می تواند شواهدی بر صحت معنای آن باشد. اوصافی چون برادری، وزارت، وصایت، بابیت مدینه علم

پیامبر ﷺ تقسیم‌گری بهشت و آتش برای امام علی (علیه السلام) و پرچمداری همیشگی ایشان برای پیامبر ﷺ که مورد اتفاق فریقین و از جمله آلوسی است؛ همچنین موقعیت برتر عترت و امام علی (علیه السلام) در شریعت از وجود نقش ممتاز حضرت در قیامت و صحت روایت رضوی حکایت دارند. با آنکه آلوسی از امام علی (علیه السلام) همواره با تکریم یاد و به برخی مناقب حضرت اشاره کرده، انکار برخی روایات مناقب ایشان چون روایت رضوی مد نظر باید ریشه در رقابت و تعصب مذهبی اشعری شدید او داشته باشد که اصل را بر تخطئه مذهب امامی و روایات‌شان گذاشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). *النزیرة الی تصانیف الشیعة*. بیروت: دار الأضواء. الطبعة الثالثة.
- آلوسی، محمود. (بی تا). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بی جا. بی نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۷ق). *الامالی*. قم: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة
- _____ (۱۳۷۹ق). *معانی الأخبار*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- _____ (بی تا). *من لایحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة. الطبعة الثانية.
- ابن سعد، محمد. (بی تا). *الطبقات الكبرى*. بیروت: دار صادر.
- ابن مردویه، احمد بن موسی. (۴۲۴ق). *مناقب علی بن ابی طالب علیہ السلام*. تحقیق حرزالدین. قم: دارالحديث. الطبعة الثانية.
- ابن مغزلی، علی بن محمد. (۴۲۶ق). *مناقب علی بن ابی طالب*. انتشارات سبط النبی علیہ السلام. بی جا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۴۰۵ق). *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزة.
- اربلی، علی بن ابی الفتح. (۴۰۵ق). *کشف الغمة فی معرفة الائمة*. الطبعة الثانية. بیروت: دارالأضواء.
- امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۷ق). *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*. بیروت: دار الكتاب العربی. الطبعة الرابعة.
- اندلسی، ابوحيان. (۴۲۲ق). *تفسیر البحر المحیط*. تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۴۰۱ق) *الجامع الصحیح*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- بروجردی، سید حسین. (۴۱۶ق). *تفسیر الصراط المستقیم*. قم: مؤسسة انصاریان للطباعة و النشر.
- نقرشی، سید مصطفی. (۴۱۸ق). *نقد الرجال*. تحقیق: مؤسسة آل البيت علیہم السلام لإحياء التراث. قم: مؤسسة آل البيت علیہم السلام لإحياء التراث.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد. (۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق محمد باقر محمودی. مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. بی جا.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالمعرفة.
- حلی، حسن بن یوسف. (۴۱۷ق). *خلاصة الاقوال*. مؤسسة نشر الفقاهة. بی جا.
- خوارزمی، موفق بن احمد. (۴۱۴ق). *المناقب*. تحقیق مالک محمودی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة. الطبعة الثانية.
- خوبی، ابوالقاسم. (۴۱۳ق). *معجم رجال الحديث*. بی جا. بی نا. چاپ پنجم.
- داوری چلقانی، احد. (۱۳۹۹). «بررسی روایات امام رضا علیہ السلام در تفسیر روح المعانی آلوسی». *مجله علمی پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۸. ش ۳۰. صص: ۱۲۵-۱۵۲.
- دیاری، محمدتقی. (۱۳۹۰). *آسیب شناسی روایات تفسیری*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ذہبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۲ق). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.

- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۷ق). تاریخ الإسلام. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
- رشیدرضا، سید محمد. (۱۹۹۰م). تفسیر المنار. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- زمخشري، محمود بن عمر. (۱۳۸۵ق). الکشاف. مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). الدر المنثور. بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- سمعانی، عبدالکریم. (۱۴۰۸ق). الانساب. بیروت: دار الجنان للطباعة والنشر و التوزیع.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۳ق). فقه الحج. مؤسسة السيدة المعصومة علیها السلام. بی تا. بی جا.
- صفدی، صلاح الدین. (۱۴۲۰ق). الوافی بالوفیات. احمد ارناؤوط. بیروت: دار احیاء التراث.
- طباطبائی، محمد حسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر مجمع البیان. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ الأمم والملوک. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طنطاوی، سید محمد. (بی تا). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. بی تا. بی جا.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ق). الأبواب. تحقیق محمد جواد قیومی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- _____ (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال (رجال کشی). تحقیق سید مهدی رجائی. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- _____ (۱۴۱۷ق). الفهرست. قم: مؤسسة نشر الفقاهة.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (بی تا). تفسیر العیاشی. طهران: المكتبة العلمية الإسلامية.
- فارسی، عبدالغافر. (۱۴۰۳ق). تاریخ نيسابور (المنتخب من السياق). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). التفسیر الکبیر. بی تا. بی جا. بی نا. الطبعة الثالثة.
- قاضی عیاض، ابن موسی یحیی. (۱۴۰۹ق). الشفا بتعريف حقوق المصطفى. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). الجامع لأحكام القرآن. تحقیق احمد عبدالعلیم بردونی. بیروت: دار إحياء التراث العربی. الطبعة الثانية.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. قم: مؤسسة دار الكتاب للطباعة و النشر. الطبعة الثالثة.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۱۶ق). ینایع المودة لذوی القربی. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری. طهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ پنجم.
- مامقانی، عبدالله. (بی تا). تنقیح المقال. بی تا. بی جا. بی نا. (چاپ رحلی).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ﷺ. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۲۰ق). الواجبة فی الرجال. تهران: بخش انتشارات همایش بزرگداشت علامه مجلسی.
- محب طبری، احمد. (بی تا). الرياض النضرة فی مناقب العشرة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مرعشی نجفی، شهاب الدین. (بی تا). شرح احقاق الحق. تحقیق سید ابراهیم میانجی. قم: منشورات مكتبة آية الله العظمی

المرعشی النجفی.

- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). الامالی. بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع. الطبعة الثانية.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۴ق). تفسیر مقاتل. تحقیق احمد فرید. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونہ، تہران: دارالکتب الاسلامیة.
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۸ق). بحوث و دراسات فی ولایة الفقیہ و فقہ الدولة الاسلامیة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). فہرست اسماء مصنفی الشیعة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. الطبعة الخامسة.
- نسفی، عبداللہ بن احمد (بی تا). مدارک التنزیل و حقائق التأویل بی نا. بی جا.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی. (۱۳۸۸ق). اسباب نزول الآیات. قاہرہ: مؤسسة الحلبي و شرکاء للنشر و التوزیع.
- وحید بہبہانی، محمدباقر. (بی تا). تعلیقة علی منهج المقال. بی نا. بی جا.
- ہیتمی، احمد بن حجر. (۱۳۸۵ق). الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع و الزنادقة. مصر: مکتبة القاہرہ. الطبعة الثانية.

